

سیاه، سفید، خاکستری

فریب

در ۱۹ سالگی پدرم را از دست دادم و از نظر اقتصادی زندگی خوبی نداشتم. مادرم بیمار بود و یک خواهر کوچکتر از خودم داشتم. با همه مشکلات باید زندگی را به تنهایی اداره می کردم بنابراین مجبور شدم در سر راه ها و کار کنم و در جریان زندگی آشنایی و دوستی با سمیرا سرنوشی دیگر برایم رقم زد. مینا دختری ۱۹ ساله است که به دلیل مشکلات به وجود آمده به مرکز مشاوره آرامش با مماندهی انتظامی استان مراجعه کرده در گفتگو با ممد اکبر این مرکز داستان زندگی اش را اینگونه به تصویر می کشد...

در ۱۹ سالگی پدرم را از دست دادم و از نظر اقتصادی زندگی خوبی نداشتم. مادرم بیمار بود و یک خواهر کوچکتر از خودم داشتم. با همه مشکلات باید زندگی را به تنهایی اداره می کردم بنابراین مجبور شدم در سر راه ها و کار کنم. در آنجا با دختری به نام سمیرا آشنا شدم. دختر خونگرمی بود. بعد از چند وقت پیشهاد حضور در یک مهمانی را مطرح کرد و من هم پذیرفتم.

وقتی به آن جارتفتم برخلاف چیزی که تصور می کردم این مهمانی عادی نبود. مهمانی مختلط بود و رعایت حریم محرم و نامحرم در آن دیده نمی شد. خیلی ناراحت شدم؛ خواستم مهمانی را ترک کنم که سمیرا ممانعت کرد و گفت که می خواهد مهران را به من معرفی کند. از دست سمیرا عصبانی شدم دیگر نتوانستم تحمل کنم و آنجا را ترک کردم.

چند روز بعد سمیرا با من تماس گرفت و گفت که مهران به خاطر نجابت و وقار من از من خوشش آمده و قصد از دواج دارد. با طرح این موضوع درگیری های فکری من هم زیاد شد. از یک طرف با مشکلات خانواده و کار مواجه بودم و از طرفی هم برای رهایی از سختی ها بدم نمی آمد به دواج فکر کنم. بعد از چند روزی کلتچار رفتن با خودم با مهران در پارک قرار گذاشتم. او خیلی خوب حرف می زد و در دست شبیه شخصی بود که در روپا هایم از دواج با او را داشتم. بعد از اولین ملاقات روز به روز به او وابسته تر می شدم. یک روز مهران تماس گرفت و گفت که تولدش است و می خواهد جشن تولد بگیرد و مرا به خانواده اش معرفی کند. خیلی خوشحال شدم، در خواستش را قبول کردم و به منزل آنها رفتم.

وقتی به آنجا رفتم از جشن تولد خبری نبود و مهران تنها بود. حسایی عصبانی شدم ولی او با چرب زبانی خود آرامم کرد و سر انجام اتفاقی که نباید می افتاد، افتاد... با این ماجرا چهره کنیف مهران از زیر نقاب خوشرویی اش بیرون آمد هر چند آن موقع دیگر برایم فایده ای نداشت. او قصد از دواج داشت بلکه فقط می خواست به اهداف شیطانی اش برسد و مسبب همه این بلاها سمیرا بود. او من را باتلاقی کشاند که روزی خودش گرفتار آن شده بود...

با این اتفاق مدتی خودم را در منزل حبس کردم و کمتر با اعضای خانواده حرف می زدم و حتی دچار افسردگی شدید شدم تا این که بحران روحی ام به جایی رسید که تصمیم به خودکشی گرفتم ولی وجود مادر بیمار و خواهرم مسبب شد دوباره به زندگی برگردم.

پلیس استان

پایگاه اینترنتی دفتر پژوهش www.rkhi.ir

هادی - دیرم شده بود و غر زدن های مدام آرش امانم را بریده بود؛ هر چند لحظه به بهانه ای مرا از رفتن باز می داشت؛ قرار داشتم و باید زودتر خودم را به الناز می رساندم.

ساناز در راه روی کنار اتاق افسر نگهبان نشسته بود و حال مضطرب و نگران او حاکی از اتفاقی ناگوار داشت. هر چند سعی می کرد بر رفتارش مسلط باشد ولی بعد از مکث کوتاهی دوباره گریه و صدای هق هقش فضای راهروی ورودی کلانتری را پر می کرد. پوشش او مناسب برای بیرون از خانه نبود. یکی از کارکنان کلانتری برایش لیوان آبی آورد تا کمی آرام شود. از او درخواست کردم ماجرابی که برایش اتفاق افتاده است را برام بازگو کند.

ساناز خودش را کمی جمع و جور کرد و سعی داشت ماجرا را به صورت رسمی و سر بسته بیان کند ولی وقتی شروع به صحبت کرد بعضی امانش را برید و با لحنی همراه با گریه و بغض گفت: ناخواسته اسیر هوسرانی مردی شیطان صفت شدم در حالی که هیچ نقشی در این ماجرا نداشتم. از شوهرم و اطرافیانم شر دارم و نمی دانم به آن ها چه بگویم.

دیرم شده بود و غر زدن های مدام شوهرم آرش امانم را بریده بود؛ هر چند لحظه به بهانه ای مرا از رفتن باز می داشت؛ قرار داشتم و باید زودتر خودم را به الناز می رساندم.

می خواستم با الناز به عروسی یکی از دوستان مشترکمان برویم، تالار خارج از شهر بود بنابراین او تماس گرفت تا خودش را به من برساند ولی او گفت شوهرش در خانه نیست و با ژانسی می رود و من هم مجبور شدم از آرش درخواست کنم تا مرا به تالار برساند. بهانه های همیشگی آرش کلافه ام می کرد، کمی از شب گذشته بود، وقتی به او گفتم مرا به مقصد برساند با هزار بهانه واهی طرفه رفت حتی اصرار های مداوم من فایده ای نداشت و مجبور شدم به تنهایی از خانه خارج شوم. دیرم شده بود و باید سریع تر می رسیدم. کمی پایین تر از خانه کنار خیابان توقف کردم و منتظر تاکسی شدم. سعی می کردم سوار خودرو های شخصی نشوم و عمدتاً با تاکسی جابجا می شدم ولی آن شب شرایطم فرق می کرد و عجله داشتم. اولین خودرویی که کنارم توقف کرد را سوار شدم؛ راننده هم مردی حدود سی ساله بود و ظاهرش هم به نظر من بد نبود ولی آنقدر عجله داشتم که به این چیزها فکر نمی کردم.

راننده خودرو مسیر را از من پرسید و من هم به او گفتم و قرار شد که به صورت در بست مرا به مقصد برساند. راننده آینه داخل خودرو را کمی چرخاند و مدام به من نگاه می کرد، من هم قسمتی از چشمان و بینی راننده را می دیدم. نگاه های



شب شوم

راننده از حد عادی گذشته بود و گاهی که فرصتی گیر می آورد صورت خودش را بر می گرداند و به عقب نگاه می کرد؛ نگاه راننده مرا آزار می داد ولی به تنها چیزی که فکر می کردم رسیدن سریع تر به مقصد بود.

کمی خودم را جمع و جور کردم ولی شالی که بر سر داشتم را بر روی دوشم انداختم و موهایم را کمی جمع و جورتر کردم، آرایشم خیلی زنده نبود ولی عادت هم ندارم که بدون آرایش از خانه بیرون بروم. راننده که انگار عجله ای برای رساندن من به مقصد نداشت خودرو را به آرامی می راند و سعی می کرد خودش را طبیعی نشان دهد، از او خواستم که کمی سریع تر برود تا به مقصد برسیم. راننده گفت مسیر شهر شلوغ است و برای زود رسیدن مجبور است از راه فرعی و جاده قدیمی مرا برساند.

دو دل شده بودم، کمی می ترسیدم ولی دل به دریا زدم و به راننده گفتم از هر راهی می روید فقط سریع تر که من به مراسم برسیم. راننده از شهر خارج شد و از جاده قدیم به طرف تالار حرکت کرد، به هر بهانه ای قصد شروع صحبت داشت و حتی از من خواست در صندلی جلو بنشینم تا در طول مسیر بتواند مسافر سوار کند ولی وقتی با مخالفت من روبرو شد و

این که خودرو را در بست کرایه کرده ام به راه خودش ادامه داد. حدود پنج کیلومتر از شهر دور نشده بودیم که ناگهان مسیر خود را تغییر داد و وارد جاده ای خاکی شد، اعتراض کردم ولی او گفت که ماشین جوش آورده است و باید از آبادی کنار جاده آب بردارم و ماشین را خشک کند.

مستأصل شده بودم و نمی دانستم چه کار کنم. هیچ راهی نداشتم، می خواستم از خودرو پیاده شوم ولی تاریکی شب و فکر مراسم مانع از این کار شد. ترس تمام وجودم را گرفته بود.

بدنم می لرزید و نگاه های شیطانی و هوس آلودر راننده برایم غیر قابل تحمل شده بود. کمی که در جاده خاکی جلورفت خودرو را متوقف کرد و با بی شرمی تمام از من درخواست نامتعارف داشت. عصبانی شدم و فریاد زدم که سریع مرا به مقصد برساند و گریه نه با پلیس تماس می گیرم که از خودرو پیاده شد و تلفن همراهم را گرفت.

گریه امانم را بریده بود، سعی داشتم با حرف هایش مرا فریب دهد ولی وقتی مقاومتی را برابر خواسته شیطانی اش دید عصبانی شد و مرا در ضرب و شتم قرار داد، شب بود و بیابان و صدام به جای نمی رسید و...

باورم نمی شد که چنین اتفاقی برام بیفتد، گیج و مهیبت بودم و مدام گریه می کردم، راننده بعد از این که مرا به زور مورد آزار قرار داد تهدید کرد که در صورت افشا شدن این موضوع، بر این اتفاقات ناگواری خواهد افتاد، مرا از دیکه تالارها رها کرد و متواری شد.

به محض این که به تالار رسیدم با پلیس تماس گرفتم و به کلانتری آمدم، نمی دانم چرا این اتفاق برام افتاد، کاش کمی صبر و تحمل داشتم و به تنهایی در شب از خانه بیرون نمی آمدم، تمام فکرم این است که برخور دشوهرم و اطرافیانم یا من چگونه خواهد بود؛ غفلت کردم...

دستگیری راننده شیطان صفت

با دریافت شکایت از شاکی به جهت اهمیت موضوع تیم های ویژه ای از پلیس امنیت عمومی موضوع را پیگیری کردند که متهم با گستره جتر اطلاعاتی پلیس و بهره گیری از مشاهدات شاکی شناسایی شد و عکس وی از سوابق سایت جامع نیروی انتظامی استخراج و به تأیید شاکی رسید. با هماهنگی مقام قضائی متهم در حالی که در منزل مادرش حضور داشت دستگیر شد و در تحقیقات اولیه پلیس به جرم خود اعتراف کرد و روانه زندان شد تا به پرونده اعمال وی در دادگاه رسیدگی شود.

اعمال قانون ۴۵۰۰ تخلف حادثه ساز در جاده های استان



رضایی - طی هفته گذشته ۴ هزار و ۵۰۲ تخلف حادثه ساز در جاده های برون شهری استان اعمال قانون شد. به گفته رئیس پلیس راه استان هفته گذشته ۲۰ هزار و ۷۴۵ تخلف توسط ماموران پلیس راه کنترل شد که از این تعداد ۴ هزار و ۵۰۲ تخلف حادثه ساز بوده است.

سرهنگ - حسین رضایی گفت: در این مدت ۳۱ فقره تصادف در محورهای مواصلاتی استان رخ داده که در ۴ تصادف فوتی ۵ نفر جان باختند.

وی با بیان این که ۲۴ تصادف جرحی ۴۴ مجروح برجداشته است، افزود: سه فقره تصادف خساراتی هم به وقوع پیوسته است. سرهنگ در رضایی با اشاره به این که ۷۹ درصد تصادف های فوتی و جرحی محورهای استان در جاده های اصلی رخ داده است عنوان کرد: گاو گونی با ۲۹ درصد در صدر شکل وقوع تصادف های باشد.

وی مهمترین علل تصادف های هفته گذشته را توجه نکردن به جلو با ۵۷ درصد اعلام کرد و گفت: بیشترین زمان رخداد تصادف های مدت یاد شده از ساعت ۱۲ ظهر تا ۱۶ عصر بوده که ۲۹ درصد کل تصادف هار تشکیل می دهد.

وی بیشترین مقصران سوانح رانندگی هفته گذشته را سوارهای با ۶۴ درصد اعلام کرد و افزود: طی هفته گذشته ۶۴ خودرو و ۱۰۰ دستگاه موتورسیکلت توقیف شده و همچنین ۱۳۶ راننده بدون گواهی نامه به مراجع قضایی معرفی شدند.

خراسان جنوبی

خبر



اعتیاد کلاسیک در نقاب داروهای لاغری

صدر- برخی داروهای لاغری در جامعه امروزی به ویژه در بین زنان برای لاغری و تناسب اندام استفاده می شود غافل از این که یک نوع اعتیاد کلاسیک در نقاب این داروهای پنهان است.

دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان گفت: سالانه حدود ۵۰ نوع مواد مخدر در فضای مجازی توسط افراد سودجو معرفی می شود که باید با اطلاع رسانی افراد را از این مواد خطرناک دور کنیم.

«علی زندی» عنوان کرد: بسیاری از داروهای لاغری حاوی مواد مخدر هستند و بانوان بدون آگاهی از ترکیبات این داروها، آن را مصرف می کنند و در نتیجه معناد می شوند. وی گفت: خانواده مهم ترین نهاد جامعه است و اگر خانواده ها سطح آگاهی خود را بالاتر ببرند و والدین نسبت به فرزندان خود احساس مسئولیت بیشتری داشته باشند جوانان به بسیاری از مشکلات گرفتار نخواهند شد.

پایدها و نیایدها

ازدواج تحمیلی

ازدواج و تشکیل خانواده یکی از مهم ترین اتفاقات زندگی هر فرد است. یکی از عواملی که امنیت داخلی خانواده و اجتماع را تهدید می کند وقوع ازدواج های تحمیلی می باشد.

در این ازدواج ها هر فرد بر خلاف رضایت و انتخاب خویش با فردی ازدواج می نماید و همین عامل باعث اختلاف و تنش در درون خانواده، طلاق عاطفی، ارتباطات نامشروع، قتل و همسر کشی و... می شود و در نهایت می تواند عامل تهدید کننده امنیت اجتماعی و افزایش نرخ وقوع جرائم گردد.

عقل و عوامل ازدواج های تحمیلی

وجود شرایط سخت فردی، خانوادگی و اجتماعی موجب می شود تا برخی از دختران ناخواسته تن به ازدواجی ناخواسته با فردی بدهند که موقعیت و شرایط مناسبی برای ازدواج ندارد. علل این انتخاب های ناخواسته را در سطوح فردی، خانوادگی و اجتماعی به اجمال بررسی می کنیم:

علل فردی

ترس از نبود خواستگار در آینده، ترس از افزایش سن و کاهش فرصت ازدواج، رهایی از تنهایی و اضطراب، اصرار خواستگار و ترحم نسبت به وی، لجبازی یا خواستگار قبلی، فرار از تحصیل

علل خانوادگی

رهایی از شرایط نامناسب خانه پدری، رهایی از امر ونهی های خانواده و کسب استقلال، رها ساختن والدین از اضطراب، رفع کدورت فامیل، نفوذ و فشارهای والدین

علل اجتماعی

رهایی از تحقیر های اجتماعی، ورود به دنیای بزرگسالی و کسب احترام، رهایی از قضاوت های نادرست اجتماعی، آزاد شدن از برجسب های اطرافیان...

پیامدهای ازدواج های تحمیلی

به اعتقاد روان شناسان، ازدواج می بایست بر پایه اخلاق، عشق، محبت و درک متقابل دو انسان شکل بگیرد تا بتواند جوانه های امید و خوشبختی را به همراه آورد. اگر اهدر همسر گزینی، این پیوند مقدس را بصورت یک کابوس وحشتناک درمی آورد زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی را با آسیب های جدی مواجه می سازد.

اولین عوارض منفی ازدواج های اجباری (به ویژه در سنین پایین) متوجه بدن و جسم زن شده و بر سلامت جسمانی آنها تاثیر بسیار منفی می گذارد. دخترانی که در سنین پایین روانه خانه همسر می شوند علاوه بر حاملگی های ناخواسته و زودرس، در معرض عوارض جبران ناپذیر جسمی قرار می گیرند.

اغلب دخترانی که به اجبار والدین راهی خانه همسر می شوند، دچار اختلالات روحی و روانی می شوند و بهداشت روانی آنها به خطر می افتد. فرزند تحمیلی ازدواج بر دختران از سوی والدین، احتمال اقدام به فرار از منزل را در آنان افزایش می دهد.

نارضایتی و برآورده نشدن نیازهای عاطفی و روحی زنان زمینه وستر مناسبی را برای فساد اخلاقی آنها در سایه مردی دیگر جستجو می کنند

معمولاً ازدواج های اجباری که در سنین پایین انجام می شود، در دفاقر رسمی ازدواج ثبت نمی شود زیرا خانواده ها به غیر قانونی بودن آن آگاهی دارند.

مسافرت با وسیله نقلیه عمومی

در داخل اتوبوس و در زمان پیاده شدن تلفن همراه خود را به بهانه تماس در اختیار افراد ناشناس قرار ندهید. وسایل خود را در پایانه و یا هنگام سوار و پیاده شدن از اتوبوس بدون نظارت لازم رها نکنید. چنانچه شخصی یا اشخاصی با مراجعه به شما قصد بازرسی داشتند ابتدا از آنها کارت شناسایی معتبر پلیس در خواست نموده و نسبت به بررسی و مطالعه آن اقدام در صورتی که به حرکات و رفتار آنها و یا مدار کاراته شده از سوی آنان مظنون شدید سریعاً کلانتری پایانه و یا پلیس ۱۱۰ را از طریق تلفن مطلع نمایید.

هنگام استفاده از وسایل نقلیه عمومی گوشی تلفن همراه خود را روی صندلی و داشبورد و... قرار ندهید و از دادن گوشی همراه به اطفال و افراد سالنند خودداری کنید.

دقت کنید در صورتی که بین راه مسافری پیاده می شود وسایل شما به اشتباه جابجا نشود.

در پایانه های مسافربری به خودروهای مسافربر متفرقه اعتماد نکنید.

سعی کنید سالی یا چمدان همراه خود را به قفل مجهز کنید یا حتی الامکان از ساک یا چمدانهای قفل دار رمزی استفاده کنید.

کمیته راهبردی آموزش عالی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد جیران

قابل توجه دانش آموزان علاقمند به دانش مهندسی

هنرستان هواپروازی شهید خلبان مجتهدین رونقی فرد

اولین هنرستان هوانوردی استان خراسان جنوبی (غیرانتفاعی - پسرانه)

در رشته هوانوردی برای سال تحصیلی ۹۷-۹۵ در پایه دهم هنرجو می پذیرد.

با مجوز رسمی وزارت آموزش و پرورش اداره کل آموزش و پرورش خراسان جنوبی

آدرس: سایت قدیم فرودگاه بین المللی بیرجند تلفن تماس: ۰۹۱۵۵۶۲۵۳۳۹ (فرهنگی)

خدمات فنی و مهندسی مبتکر

تعمیر انواع: لوازم برقی خانگی، یخچال، فریزر ماشین لباسشویی، جارو برقی، کولرهای آبی و گازی و...

سارژ کولر خودرو انجام می شود

تعمیر یخچال و فریزر در منزل در تمام نقاط شهر، پذیرفته می شود

مهرشهر - خیابان ابن سینا - بین ابن سینا ۷ و ۹

۰۹۱۵۲۶۴۹۸۸۴ - ۰۹۳۰۳۸۱۹۱۸۴ - ۰۳۳۰۸۷۵۰ کرباسچی

نمایندگی انحصاری درب ضد سرقت آلتین درب ماد

نمایندگی انحصاری سومینه پدیده

نمایندگی انحصاری کفپوش و پارکت رویال

عاملیت رسمی فروش پتینه سازان جوان

کاغذ دیواری، قرنیز چوبی و پلی استایرن

آدرس: میدان سوم مدرس باهنر غربی، پلاک ۵۶ ۶۷۷۰ ۳۲۴۴ - ۰۵۶ - ۰۹۱۵۱۶۰۰۵۵۶ فدویان